

امروزه جمعیت  
افغانستان ۳۹  
یا ۴۰ میلیون نفر  
است، تا سال ۷۵  
ما از ایران حدود  
۴۰ میلیون یعنی  
چیزی برابر با  
جمعیت کنونی  
افغانستان مهاجر  
اخراج کردیم

شوروی در افغانستان جدی شد، بحث مهاجرت را به صورت گسترده و به دلایل مختلف داشتیم. در اوایل انقلاب به دلایل ایدئولوژیک مهاجرت صورت گرفت و پس از آن کم کم موضوع اقتصاد بیان شده است. در دو سال اخیر فقط بحث اقتصادی وسط است. امروزه جمعیت افغانستان ۳۹ یا ۴۰ میلیون نفر است، تا سال ۷۵ ما از ایران حدود ۴۰ میلیون یعنی چیزی برابر با جمعیت کنونی افغانستان مهاجر اخراج کردیم. شخص دوباره و چندباره داخل آمده، این چرخه ادامه داشته است تا اینکه چهل میلیون نفر در سال ۷۵ اخراج کردیم.

### مجری: یعنی از این چهل میلیون نفر؟

**رضوی:** بله، چهل میلیون آدم اخراج کردیم که ممکن است، یک شخص پانزده بار و شخصی دیگری بار اخراج شده باشد ولی چهل میلیون تعداد اشخاصی است که اخراج شده‌اند. دلایلی که این اتفاق افتاده است مختلف است. ما اصلاً قوانین درستی برای برخورد با مهاجران نداریم. اولین قانونی که درباره‌ی مهاجرین نوشته شده در سال ۱۳۰۸ تصویب شده که آخرین اش هم است. توجه بفرمایید که بحث مهاجرین از آن موقع مهم بوده است. امروزه که این موضوع بسیار جدی است؛ مجلس نمی‌گذارد سازمان ملی مهاجرت تصویب بشود. اصلاً آقای قالیباف در این موضوع برنامه‌ای ندارد و این را واضح اعلام می‌کند. همین سازمان ملی مهاجرین که چند بار نام‌اش را آوردیم، تمام رئیس و دستگاه‌اش غیرقانونی است، چون وجود ندارد. بنده هفته‌ی گذشته با سردار رضاییان صحبت کردم، ایشان می‌گفتند [طبق قانون] آقای مبینی حق ندارد با من نامه‌نگاری کند! همین آقای مبینی به استان‌های مهاجرنشین دعوت شده و هزاران نفر با او جلسه می‌گذراند و از او تقاضای حل مشکلات را دارند. مشکلات را چطور وقتی که امکان اقامت دادن و برگه آمایش دادن ندارد، حل کند؟ ما هیچ قانون درست و حسابی که بتواند وضعیت مهاجرین را سرو سامان بدهد در این چهل سال انقلاب نداریم. بحث فرزندان مادر ایرانی یکی از کوچکترین مسائل است که این هم انتخاباتی است. به راحتی می‌تواند از مادران ایرانی در استان‌های شرقی رای بگیرند که مشکل فرزندان‌شان حل بشود. مثل اینکه نزدیک به دویست هزار نفر هستند که بخش عمده‌اش خاوری‌های مشهداند و مرزنشینان سیستان و بلوچستان. روستاهای مرزنشین سیستان و بلوچستان با افغان‌ها در مرادده هستند؛ به طوری که شخصی در اینجا همسری دارد که خودش هست یا نیست، فرزندی به دنیا می‌آورد و بزرگ می‌شود چون هویت و مدرک ندارد نتوانسته درس بخواند. در دولت آقای هاشمی رفسنجانی، آقای خاتمی، آقای احمدی نژاد و آقای رئیسی اتفاقات مختلفی افتاده است. همین گرفتاری باعث می‌شود که شرایط برای مهاجر سخت شود. اگر شخصی در هواپیما فرزندش متولد شود به او تابعیت می‌دهند چون در آسمان آن کشور به دنیا آمده است، قانون ما نه خون است نه خاک. در این قانون حتی تکلیف مهاجرین غیرقانونی هم مشخص نیست. تکلیف دولت هم با قانون‌های مشخص نیست. یک روز اعلام می‌کنند دیگر به هیچکس مدرک نمی‌دهند. از آنطرف توانایی کنترل مرزها را نداریم، از طرفی هم نگران مسائل امنیتی هستیم که نکند شخصی که غیرقانونی وارد می‌شود باعث مشکل، جرم و جنایت شود؟ مدرک هم که نمی‌دهیم، خب فرد مهاجر اگر جرمی هم انجام دهد که ما توانایی شناسایی‌اش را نداریم. به این صورت که هر کسی بیاید شکل غیرقانونی